

فصلنامه دانش انتظامی سمنان ، دوره یازدهم ، شماره چهارم ، تابستان ۱۴۰۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳/۰۵/۱۴۰۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴/۰۶/۱۴۰۰

صفحات: ۱۳۸ - ۱۰۸

نگرشی بر چالش های تقنینی موجود در نظام کیفری در زمینه تیراندازی نظامیان

نویسنده:

مظاهر رضایی فرا^۱، حسین کمالوند^۲، سعید شیخ^۳ *

چکیده

بررسی قوانین و مقررات موجود پیرامون تیراندازی نظامیان بیانگر آن است که چالش های مختلفی در نظام کیفری تقنینی پیرامون اینگونه جرایم وجود دارد که این امر کارکرد مثبت و منسجم قوانین و مقررات را تحت الشعاع قرار داده است. دستیابی به شناخت جامع و کاملی از موضوع مقررات تیراندازی نیروهای مسلح، در گرو تبیین دقیق و جامع مبانی این قبیل قوانین و مقررات و چالش های موجود در زمینه تقنین و جرم انگاری آن ها می باشد. براین اساس، در این مقاله، مبانی این گونه قوانین و مقررات و چالش های موجود در حوزه تقنین و جرم انگاری را مورد نقد و بررسی قرار می دهیم.

کلمات کلیدی: قوانین، تیراندازی، تقنین، جرم انگاری

۱: دانشجوی دکترا دانشگاه تهران - saeed.sheykh@yahoo.com

۲: کارشناسی ارشد نهجا - saeed.sheykh1@yahoo.com

۳: دانشجوی دکتری حقوق دانشگاه قم - saeed.sheykh81@yahoo.com

مقدمه

طبع مصلحت جوی و مفسده انگیز بشر، اقتضای ارتکاب هرگونه ناهنجاری را داشته و از این روی ارتکاب جرایم و بزهکاری به عنوان خصیصه دیرین جوامع بشری معرفی می گردد. تعارض و تقابل منافع شهروندان در مناسبات اجتماعی، امری بدیهی و اجتناب ناپذیر می باشد. در واقع نگرش و انتظارات خاص هر یک از افراد، سبب تفکیک منافع و نگرانی های آن ها از یکدیگر شده و در نتیجهی این تداخل تعلقات خاص ما با سایر افراد، اختلافات بروز می یابند. (۱ : ۲۰۰۰، Moffitt & bourdon)

چنین اصطکاک و تنشی در روابط اجتماعی، موجب آن می گردد تا ارتکاب جرایم و بزهکاری به عنوان خصیصه ی دائمی و بهنجار جوامع امروزی مطرح شود. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴: ۴۳۵) این پدیده که ریشه در عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی دارد (Lanjseth & Bus CajLil, ۲۰۰۱: ۱۱)، به مرور زمان رشد و تکامل یافته و هر روز در اشکال و ابعاد جدید و نوینی پدیدار می گردد.

اندیشمندان اهداف گوناگونی را از پیش بینی مجازات ها در سیاست کیفری جوامع مطرح نموده اند. به عنوان نمونه برخی سزادهی را به عنوان هدف واکنش کیفری مطرح می نمایند. سزادهی هدفی است که در آن، کیفر بر اساس زمینه هایی که خطاکار شایسته کیفر است توجیه می شود. (۱۱ : ۲۰۰۵، Zaiber) کانت که از سردمداران مکتب سزادهی است معتقد است که بزهکار فقط به خاطر جرم ارتکابی قابل تنبیه است.^۱ برخی دیگر نیز هدف از مجازات ها را بازپروری مجرم ذکر می کنند. در این اندیشه با فردی کردن مجازات ها، کوشش می شود با به کارگیری شیوه های تربیتی متناسب با ویژگی های هریک از بزهکاران بار دیگر پیوند آنان با جامعه برقرار شود. (اردبیلی، ۱۳۸۰: ۳۹) هر نوع تقویت استعداد و توانایی رعایت قانون در زمره اهداف بازپروری مجرمین قرار می گیرد. افزایش آگاهی نسبت به انتظارات و نیازهای جامعه، یاد دادن حرفه و شغل و نهایتاً معالجات پزشکی و روانپزشکی از جمله این اقدامات است. (Hoffe, ۱۹۹۴: ۱۹۰)

در زمان‌های اولیه نوعی گزینه طبیعی حاکم بر روابط انسان بوده و باعث گردیده تا شخص آسیب دیده از جرم، تنها به انتقام از مجرم یا اعضای خانواده او راضی شود، Amram (۱۹۲: ۱۹۹۹) زیرا وقتی جرمی ارتکاب می‌یابد و به شخص گزند و آسیب وارد می‌آید، اولین حسی که در قلب انسان ظاهر می‌شود حس بغض و کینه است.

تامین نظم و امنیت در جامعه در زمره آرمان‌های دیرین جوامع بشری می‌باشد. تحقق آرمان مذکور و پاسداری از ارزش‌های اجتماعی بر عهده نیروهای مسلح قرار گرفته است. نیروهای مسلح هر کشوری مظهر تولید قدرت و نمایش آن می‌باشند، لذا در صورت فقدان نیروی مسلح قوی و کارآمد، احساس امنیت در آن کشور نیز رخت خواهد بست. اگر نیروهای مسلح به عنوان سازه تولید امنیت، به دلایل مختلفی خود دچار ناامنی و ضعف شود، امکان تحقق امنیت با مشکل جدی می‌گردد. (عصاریان نژاد، ۱۳۸۰: ۱۷) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مأموریت پاسداری از تمامیت ارضی کشور و نگرانی از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن و نظم عمومی را بر عهده نیروهای مسلح نهاده است. (اصل ۱۵۰ ق.۱) متناسب با رشد جمعیت کشور، نیروهای نظامی که شکل مدرن و سازمان یافته آن‌ها از اوایل قرن جاری در کشور ما به وجود آمد، گسترش چشمگیری پیدا کرد و در چند دهه اخیر، با ظهور انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی، نیاز بیشتری به وجود نیروهای مسلح کارآمد احساس شد و نیروهای مسلح از جهت کمی افزایش یافتند. به تبع افزایش تعداد این نیروها، تخلف و جرم هم در این نیروها رو به فزونی نهاد.

از این رو پیش‌گیری از جرایم روی داده در این حوزه در دستیابی به آرمان‌های والای اجتماعی و فرهنگی نقش حایزاهمیتی را ایفا می‌نماید. بی‌تردید چاره‌اندیشی در راستای جلوگیری از ارتکاب جرایم روی داده در میان نظامیان تاثیر فراوانی بر تامین کارکرد مطلوب و مناسب نیروهای مسلح و در نتیجه تامین امنیت جامعه خواهد داشت.

تیراندازی پرسنل نیروهای مسلح در زمره اقداماتی محسوب می‌شود که با هدف حفظ توان و آمادگی دفاعی نیروهای مسلح صورت می‌پذیرد. بدین منوال کلیه سیاست‌ها و برنامه‌های دولت و نظام قضایی در راستای دستیابی به امنیت و آسایش اجتماعی سازمان دهی می‌گردد. در سال‌های اخیر، عدم آگاهی نسبت به این گونه قوانین و مقررات سبب شده تا روند ارتکاب جرایم مرتبط با این موضوع رشد صعودی داشته و پرسنل نیروهای

مسلح گاه عمدا یا سهوا بر اثر ناآگاهی یا غفلت در دام این مشکل افتاده و دچار مصائب فراوانی شوند.

امروزه به تناسب پیشرفت و توسعه ناهنجاری‌ها، ضرورت استفاده پرسنل نیروهای مسلح از سلاح و در نتیجه تیراندازی از نظر کمی نسبت به گذشته افزایش یافته است و از حیث کیفیت و پیچیدگی نیز تغییرات چشمگیری را در مقایسه با گذشته خود شاهد است که البته عوامل متفاوتی در این امر دخیل می‌باشند.

درحالت استفاده از سلاح و تیراندازی به سمت افراد و وسایل نقلیه، که نتایج همچون قتل، جرح و ایراد خسارت را به همراه دارد. اگر مامور تیرانداز رعایت ضوابط و مقررات قانونی را در تیراندازی خود ننماید، مسئولیت‌های کیفری و مدنی ناشی از آنرا باید بپذیرد و در صورتی که برابر ضوابط و مقررات قانونی تیراندازی نماید از هر گونه مسئولیت کیفری و مدنی مبرا خواهد بود و چنانچه فرد مقتول یا مجروح یا زیان دیده مقصر نباشد. پرداخت دیه و جبران خسارت از بیت المال بر عهده دولت و سازمان‌های زیربط می‌باشد و اگر چنانچه افراد دیگری مقصر باشند، در این خصوص مسئول خواهند بود.

قانون‌گذار در ماده ۴۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح عمل تیراندازی عمدی فرد نظامی در حین خدمت یا مأموریت را جرم انگاری کرده ولی اشاره‌ای به تیراندازی غیرعمدی و جرم انگاری آن ننموده است.

این قبیل ابهامات سبب شده تا پرسنل نیروهای مسلح در انجام وظایف حرفه‌ای خویش به طور شایسته و بایسته نتوانند عمل نمایند و شبهات قانونی موجود، اجازه انجام هرگونه عملیات و مانور به اصطلاح شجاعانه را از ایشان سلب می‌نماید. هنگامی که پرسنل نیروهای مسلح به طور شفاف با وظایف و مسئولیت‌های خویش و ضیق و توسعه آن‌ها آشنا شوند، از یک سو تکالیف و مسئولیت‌های قانونی خویش را به طور کامل فرا می‌گیرند و از سوی دیگر با فراغ بال و آمادگی ذهنی امکان انجام وظایف محوله را می‌یابند.

این امر موجب بروز برخی اختلاف‌نظرها و استنباط‌های متفاوت از قانون شده است. همچنین مباحث مختلفی پیرامون محل پرداخت دیه، مسئولیت آمر و مامور و ... در ارتباط با تیراندازی در میان پرسنل نیروهای مسلح شکل گرفته که در این تحقیق در پی آسیب‌شناسی و بررسی چالش‌های موجود در این زمینه برآمده ایم.

کفتار اول - مبانی جرم انگاری

بهره مندی افراد جامعه از حقوق مقرر در قانون اساسی، در زمره مهم ترین آرمان های نظام های حقوقی محسوب شده که جلوه های مختلف آن در قالب قانون اساسی متبلور شده و حدود آن نیز مشخص گردیده است. ضیق و توسعه این حقوق جز در قالب اوامر و نواهی قانون گذار میسر نمی گردد.

جرم انگاری عبارتست از فرایندی که به موجب آن قانون گذار با تکیه بر مبانی تئوریک و نظری و با تاکید بر ارزش های اخلاقی و اجتماعی مورد نظر خویش، به تحدید آزادی های افراد در قلمرو جامعه می پردازد. (ASHWORTH, ۲۰۰۶:۲۷) جرم انگاری ناهنجاری های روی داده در مورد تیراندازی نیروهای مسلح بر طبق اصول و مبانی مختلفی صورت می پذیرد که تحلیل اینگونه جرایم در سایه شناخت مبانی مذکور محقق می گردد.

در هر نظام سیاسی و حکومتی، متأثر از ایدئولوژی و اندیشه سیاسی حاکم بر جامعه، اقدامات کیفری قانون گذار به سمت و سوی خاصی سوق می یابد. بدین سان معیار های جرم انگاری نیز، نسبی و متناسب با ایدئولوژی حاکم بر جامعه و نظام سیاسی طراحی و ترسیم می گردند.

اما نسبی بودن معیارهای جرم انگاری علاوه بر ایدئولوژی و خط مشی سیاسی، تا حدود زیادی از تحولات و پیشرفتهای نوین اقتصادی نیز نشات می گیرد. در جوامع معاصر، سیاست تقنینی کیفری اکثریت کشورهای مترقی و پیشرفته جهان، گرایش ویژه ای نسبت به تجمیع دستاوردهای نوین با ارزشهای اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی مورد پذیرش و مقبولیت همگان، در مقام تدوین و وضع قواعد و هنجارهای حقوقی حاکم بر جامعه از خود نشان می دهند. در جوامع امروزی مجموعه روابط اجتماعی از نوعی کلیت به هم پیوسته و متشکل از اجزا پدید آمده است و برای حفظ و بقای جامعه و جلوگیری از هرج و مرج و آشوب، این روابط باید در قالب نظمی استوار و مستحکم تنظیم و تنسيق یابد. ضرورت این امر که از گسیختن زنجیره حاکم بر نظام اخلاقی، اجتماعی و مذهبی جامعه جلوگیری می نماید، در تامین نیازمندی های انسان و تحقق خواست های طبیعی و مقبول بشر و ارتقای رفاه و سعادت همگانی نمایان می گردد، لیکن دیدگاه و نگرش نسبت به انواعی از رفتار که ما بر چسب مجرمانه به آنها می زنیم متناسب با تحولات مختلف زندگی بشری

تغییر می کند و در هر مرحله از زندگی جوامع، در مورد برخی رفتارهای مجرمانه، اختلافات و ابهاماتی وجود دارد. به طور کلی دیدگاه های کیفری با گذر زمان تغییر و ارتقا می یابند. (Elliott, ۲۰۰۶: ۲۵۶)

مبانی و معیارهای جرم انگاری اعمال نابهنجار نیز در هر مرحله از زندگی جوامع بشری دستخوش تغییر و تحولات عدیده ای می گردند. بنابراین اندیشمندان و سردمداران جنبش جزایی قلمداد نمودن^۱ نیز با توجه به پیشرفتهای نوین و مقتضیات دنیای متمدن امروزی، عواملی چون ضرورت ارضای نیازهای نوین کیفری ناشی از توسعه تکنولوژیک و مقتضیات اقتصادی و اجتماعی، ظهور ارزش های جمعی نوین که باید تحت حمایت قرار گیرند و توسعه تکنوبوروکراتیک^۲ دولت که مقررات دولتی متعددی را با خود به همراه آورده است را در توجیه اقدامات و اعمال خویش بیان می نمایند. (گسن، ۱۳۸۵، ۱۵۶)

باید توجه داشت که، راهبرد های حقوق جزا ایستا نیستند و به عنوان مجموعه ای منسجم و پویا، پیوسته متناسب با تحولات اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی جامعه در حال تغییرند. بدین سان قانون گذار در این کشورها، ضمن توجه به پیشرفتهای نوین و با در نظر گرفتن جریان اینگونه مباحث اقتصادی در مبادی حقوقی و قانونی، اقدام به جرم انگاری ناهنجاری های احتمالی برآمده از این قبیل ناهنجاری ها نموده است. در این بین، اندیشه های مختلف، هر یک به فراخور مسالک فکری و فرهنگی، اصول اجتماعی و مبانی فلسفی حکومت خویش، همگام و همسو با تحولات و پیشرفتهای نوین، معیارهای خاصی را در جرم انگاری مدنظر داشته اند و ضمن وارد نمودن برخی انتقادات به معیارهای پیشین، در بسط و توسعه و ترمیم نقاط ضعف آنها کوشش نموده اند.

اما تمامی این اصول و معیارها دارای نقاط اشتراک فراوانی با یکدیگر می باشند که می توان آنها را در قالب سه اصل منع ضرر و صدمه، قانون گرایی اخلاقی و رفاه و مصلحت اجتماعی خلاصه نمود. همچنین از اصل پاترنالیسم^۳ می توان به عنوان مکمل اصول یاد شده نام برد. اینگونه معیارهای اصلی جرم انگاری حقوق جزا، در قلمرو مقررات مربوط به تیراندازی، کارکرد ویژه و منحصر به فردی دارند که متمایز از تاثیر آنها در سایر روابط و مناسبات عادی و معمول اجتماعی و انسانی می باشد و تحت لوای عنوان مجرمانه خاصی

^۱: Movement were considered criminal

^۲: Techno-bureaucratic

^۳: paternalism

قرار می‌گیرند. در این الگو با نوعی جرم‌انگاری مرکب مواجه هستیم که به ترکیبی از اقدامات، به مثابه نوعی خاص نگریسته می‌شود. قاطبه جرایم زیرمجموعه این نوع از جرم-انگاری باید از شفافیت و صراحت حداکثری برخوردار بوده و در تعیین مصادیق خویش از ابهامات کمتری برخوردار باشند.

نمود مفاسد این ترتیب را، به ویژه در کهنگی ضمانت اجراها و فقدان نوآوری در جرم-انگاری و تعیین کیفر می‌توان مشاهده نمود. مجازات‌های قدیمی، همگام با تحولات اقتصادی و اجتماعی نبوده و قادر به رفع نیازمندی‌های قضایی موجود نمی‌باشد.

پیرامون اصول جرم‌انگاری، شایان ذکر است، می‌توان براین اعتقاد بود که تمامی اصول مورد اشاره را می‌بایست به عنوان زیرمجموعه اصل مصلحت خلاصه نمود، با این وجود شناخت اصول مذکور ضروری می‌باشد. بر این اساس در این بخش، ضمن معرفی معیارهای مذکور، نقش آنها را در توجیه مداخله و جرم‌انگاری پیرامون ناهنجاری‌های روی داده در بین پرسنل نیروهای مسلح بیان می‌نماییم:

بند اول – مبانی عمومی جرم‌انگاری

الف – اصل رفاه^۱

در زمره بدیهی و عمده‌ترین اصول و مبانی جرم‌انگاری اعمال افراد، اصل دفاع از منافع و مصالح عمومی (اصل رفاه) است، تا جایی که می‌توان نقش حقوق کیفری را در تأمین ضابطه مند و نهادین نظم اجتماعی یعنی نظامی که برای تداوم و بقای جامعه ضرورت دارد، خلاصه نمود. بر این مبنا اندیشمندان و حقوقدانان یکی از اصول محدود کننده آزادی را، اصل نفع رسانی به دیگری می‌دانند که عمل به آن برای تدارک و فراهم نمودن منافع سایر اشخاص، جز فردی که آزادی یا حقوق او محدود شده است، ضروری می‌باشد. اصل رفاه را به نوعی می‌توان معادل یا زیرمجموعه اصل ضرر به حساب آورد؛ به این معنی که اصل رفاه با جلوگیری از ورود ضرر به دیگری، رفاه را برای شهروندان به ارمغان می‌آورد. بر این اساس، اصل رفاه را می‌توان به پاسداری و حمایت کردن از دلبستگی‌های اساسی ملت

۱: The welfare

نظیر حفظ و مراقبت از ایمنی، سلامت، توانایی و امکان در پی گرفتن سبک زندگی شخصی به انتخاب خود فرد تعریف نمود. (Lacey, ۲۰۰۳: ۱۰۴)

بدین سان حتی زمانی که ضرر و زیان و آسیب های مذکور مستقیماً متوجه فرد معین است، عملی ضد اجتماعی تلقی می شوند، به دلیل آنکه به نظمی که جامعه برقرار کرده، آسیب می زند. (Raz, ۱۹۷۹: ۴۲۵) زیرا ورای منافع خصوصی بزه دیدگان اصلی جرایم، منافع و ارزش های اجتماعی نیز آسیب می بینند، از این رو حتی زمانی که اقدامات مجرمانه، منافع خصوصی اشخاص را مورد تعدی و تجاوز قرار می دهند، اینگونه اعمال به دلیل آن که نظام اجتماعی را مخدوش ساخته اند و خطوط قرمز و هنجارهای حاکم بر اجتماع را زیر پا گذارده اند، ضد اجتماعی تلقی می شوند. به عبارتی مجموعه مصالح و ارزش های مشترک در میان عامه اعضای یک جامعه، نظام سیستماتیک معینی را با ساختار و قدرت منحصر به فردی سر و شکل می بخشند. امنیت جان و نفس مردم جامعه نیز در زمره این ارزش هاست. این نظام مبدا و رُستنگاه به خصوصی ندارد، بلکه در تمام پیکره جامعه گسترده و پراکنده است. بنابراین می توان تصور نوعی همبستگی اجتماعی قابل ستایش را مورد پذیرش قرار داد که از علایق و منافع مشترک اعضای جامعه سرچشمه می گیرد.

طرفداران نظریه رفاه بر این باورند که نقش اصلی سیستم عدالت کیفری، حراست و پاسداشت نظام مذکور می باشد. این اندیشه تا آن پایه برای ایشان والا و ارزشمند می باشد که از محدود نمودن استقلال و آزادی های فردی به نفع مصالح جمعی هیچ گونه هراس و اهمه ای ندارند، بلکه ارزشهای جمعی را بر حقوق و آزادی های شخصی ارجحیت می بخشند. (Campbell, ۱۹۹۰: ۱۲۴) لزوم رعایت نظم عمومی^۱ و حفظ نظام اجتماعی، مهمترین عرصه ای است که اصل رفاه در آن به فعالیت می پردازد.

نظم عمومی عبارت است از لزوم تامین مصالح و منافی که برای حفظ نظام اجتماعی ضروری می باشند. (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ۸۱) قاعده نظم عمومی را اخلاق، مذهب، ساختار اقتصادی، نظام حقوقی و سیاسی و فرهنگ ملی در هر قوم فراهم می آورد. چنان که نظام جامعه سرمایه داری با سوسیالیستی یکسان نیست، چرا که قواعد و ارزش های مبنای نظم در آن ها گوناگون است. (Shenfield, ۲۰۰۵: ۲۷۰۵)

به طور کلی تمامی امور مربوط به منافع عمومی و مصالح اجتماعی در حیطه قلمرو نظم عمومی جای می گیرند و عوامل مخل در این موضوع که سبب اخلال و آسیب به جامعه می گردند، خلاف مصالح و نظم عمومی محسوب می شوند و آن ها را می توان بر مبنای اصل رفاه مورد جرم انگاری قرار داد. ناهنجاری های روی داده در مورد تیراندازی نیروهای مسلح دارای آثار و نتایج زیان باری است که در سطحی کلان، امنیت جامعه را تحت تاثیر قرار می دهد.

ب- اصل حفاظت از استقلال فردی

اصل استقلال فردی در زمره اصولی به شمار می رود که در زمینه جرم انگاری ناهنجاری های روی داده در مورد تیراندازی نیروهای مسلح می توان بدان تمسک جست. ذات انسان، تمایل وافری به آزادی دارد. این در حالی است که دولت تمایل دارد تا مردم جامعه را در محدوده قوانین و مقررات محدود نماید. تحدید حدود آزادی های فردی و جمعی در محدوده مقررات، در نقطه مقابل آزادی خواهی انسان قرار دارد و واجب است تا با ارایه توجیهات لازم در این مورد، زمینه مشروعیت آن را پدید آوریم. در غیر این صورت، هرگونه مقاومت و نافرمانی مقابل فرامین حکومتی مجاز شمرده شده و به نوعی آرمان و ایستار بدل می گردد. در اندیشه استقلال فردی، انسان قادر است تا با ذهن پویای خویش به راحتی طرح زندگی خود را ترسیم نماید و حریم خصوصی زندگی وی محدودده ای است که تاب هیچگونه مداخله ای را ندارد. با این وجود باید توجه داشت که طبیعتا با جرم انگاری رفتارها، حریم آزادی های فردی و جمعی ضیق می گردد؛ اما تضییق محدودده مذکور باید به حدی باشد که از محدودده قانونی مقرر شده فراتر نرود.

در حیطه ناهنجاری های روی داده در مورد تیراندازی نیروهای مسلح، اصل استقلال فردی را می توان به نوعی دیگر تفسیر نمود؛ استقلال ذاتی و فردی انسان اقتضای آن را دارد تا قوانین و مقررات نیز در راستای حمایت از این آرمان تقنین و تفسیر گردند. بحران های ناشی از این قبیل ناهنجاری ها، استقلال فردی و کرامت ذاتی انسان را مخدوش نموده و با این نگرش، جرم انگاری این گونه رفتارها موجه است.

با وجود این تفسیر، باید توجه داشت، به صرف اتکا به چنین مبنای محدوددی نمی توان به مبارزه با ناهنجاری های روی داده در مورد تیراندازی نیروهای مسلح برخاست و باید مبنای ای را به کار بست که تاب تفاسیر وسیع تری را داشته باشند. حمایت از استقلال

فردی بخشی از پروسه جرم انگاری اینگونه ناهنجاری‌ها محسوب می‌گردد، اما تنها بخش کوچکی از این پروسه محسوب شده و نیاز به مبنای جامع‌تری داریم تا برپایه آن بتوان به کلیت ناهنجاری‌های روی داده در مورد تیراندازی نیروهای مسلح با یک دید نگریست.

ج- اصل ضرر

اصل ضرر و منع صدمه، نخستین بار در ادبیات مکتب لیبرال و به ویژه نظریه سود انگاری توسط استوارت میل، در تبیین و توجیه مداخله دولت در حریم آزادی‌های شهروندان، به منزله مهم‌ترین معیار تحدید آزادی آن‌ها به کار گرفته شد و سال‌ها بعد نیز افرادی مانند هارت و پارکر از این اصل بر مبنای اندیشه فایده‌مندی حمایت نمودند. در این دیدگاه تنها مجوز دولت به منظور مداخله در آزادی‌های شهروندان و توسل به قوای قهریه و اجبار در برابر افراد جامعه، بازداشتن آن‌ها از ضرر و آسیب رساندن به دیگران است. به اعتقاد حامیان این اصل، مصلحت جسمی یا اخلاقی خود فرد به تنهایی نمی‌تواند توجیه و تضمین کافی در این زمینه باشد. (Mill, ۱۹۹۹: ۲۱)

به عبارتی تنها دلیل قابل قبول و موجه در مورد واکنش کیفری در قبال اعمال افراد جامعه آن است که چنین رفتاری اسباب آسیب و صدمه زدن به دیگران را فراهم بیاورد. اما برای کاستن از دخالت بی‌اندازه دولت و تضمین حداکثری آزادی در راستای تامین مصالح شهروندان، لازم است تا برای میزان و شدت ضرر به عنوان ملاک جرم انگاری در این اندیشه، معیار مشخص و مضبوطی را تعیین نماییم، زیرا چه بسا هر نوع رفتار آدمی می‌تواند متضمن ضرر به دیگری باشد، در نتیجه دامنه گسترده و نامحدود صلاحیت دولت بر این مبنا در جرم انگاری اعمال افراد جامعه، حقوق و آزادی‌های بنیادین انسان‌ها را تهدید می‌نماید. بدین سان برخی بر این باورند که اعمال محدودیت در جایی لازم و ضروری است که یک ضرر مشخص یا خطر معین متوجه فرد یا جامعه شود. (ibid) در واقع تنها عاملی که به دولت این اختیار را اعطا می‌نماید تا در آزادی‌های مشروع افراد جامعه مداخله نماید، آن است که مانع صدمه و آسیب به دیگران شود و عوامل دیگر همانند سودرسانی به شهروندان، دفاع از خود شخص و سایر عوامل انتزاعی مجوزی بر این اختیار نمی‌باشند. کمیته ویلفندن سالها بعد با تایید و پذیرش چنین رویکردی در گزارش خود به سال ۱۹۵۷، مقرر نمود، "باید یک قلمرو خصوصی در امور اخلاقی و غیراخلاقی وجود داشته باشد که آن حوزه خارج از دسترس قانون قرار بگیرد." (Wolfonden, ۱۹۵۷: ۲۷) ناهنجاری‌های روی

داده در مورد تیراندازی نیروهای مسلح به نوبه خود حاوی نوعی ضرر مستقیم و غیرمستقیم است. همان طور که عنوان گردید، وقوع اینگونه جرایم به شدت امنیت جانی مردم جامعه را تحت تاثیر قرار می دهد. امنیت جامعه از این ناهنجاری مخدوش شده و تمامی شهروندان تحت تاثیر آن قرار می گیرند.

ابهام معنایی واژه "ضرر" و تعاریف متفاوتی که بر آن بار می گردد، موجب شکل گیری مباحثات عدیده و طولانی میان اندیشمندان و حقوقدانان به منظور شناخت و تعیین "محدوده ضرر" گردید. فینبرگ فیلسوف برجسته حقوق کیفری و از مدافعان اندیشه میل در قرن بیستم، به دلیل ناکارآمدی و عدم کاربرد این دیدگاه در مرحله اجرا و به منظور ترمیم نقاط ضعف آن، معیار "ممانعت از ناخوشایندی شدید برای دیگران" را مطرح نمود. تعریف او از ضرر موقعیتهایی است که در آن ها به واسطه فعل خطا آمیز یا ترک فعل افراد، منفعتی به عقب رانده می شود. (Feinberg, ۱۹۸۴: ۲۱۵) بنابراین وی جرم انگاری اعمال افراد را تنها در صورتی قابل توجیه می داند که در جلوگیری از ورود ضربه به سایرین، کاستن از میزان ضرر و یا برای ممانعت از ایجاد ناخوشایندی شدید و غیر قابل تحمل برای افراد جامعه که با مشاهده آن صحنه، وجود آن را بر نمی تابند و تحمل نمی کنند، موثر باشد، مانند خود آزاری یک مازوخیست در ملاء عام یا خوردن مدفوع در متروی شهری. (Clarkson, ۲۰۰۵: ۲۶۲) در این دیدگاه، اصل ضرر با عدالت پیوند خورده است و این اصل، اعاده توازن همگونی را که به دلیل ایجاد ضرر و ناخوشایندی شدید به دیگران به واسطه رفتارهای مغایر این حالت برهم خورده است، جستجو می نماید.

ناهنجاری های روی داده در مورد تیراندازی نیروهای مسلح، امنیت جانی و نفسانی شهروندان را مختل نموده و ممکن است که شهروندان بی گناه را به کام نیستی بکشاند. مجموع این امور سبب می گردد تا قوای حاکم تدابیر لازم را با اهرم جرم انگاری در سیاست کیفری تدارک ببینند.

د- اصل اخلاق گرایی قانونی^۱

اخلاق گرایی قانونی رویکردی است که علاوه بر صورت های قبلی، رفتار افراد را به دلیل مغایرت با ارزش های برتر افراد جامعه مذموم و قابل جرم انگاری می داند. در تبیین

^۱ :The moral law

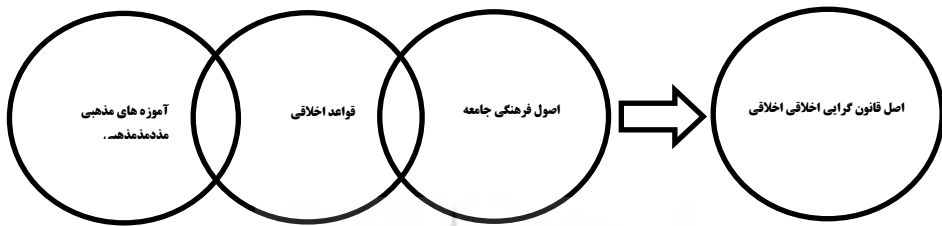
این معیارهای برتر دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. بدین منوال در نیمه قرن بیستم در مقام تعیین و معرفی منافع و ارزشهای برتر مذکور، به تبع مناظرات وسیع دولین وهارت و پیروان این دو، تقابل میان دیدگاه‌های صرفاً اخلاقی و نظریات معتدل تر به وضوح و روشنی تبیین شده است. (ASHWORTH, ۲۰۰۶, ۴۰)

حراست از جان و مال مردم جامعه به عنوان شاخص ترین ارزش های اجتماعی شناخته شده و هنجارهای اجتماعی درصد حفظ آن در بالاترین سطح می باشند.

هرگونه ناهنجاری و اقدام علیه امنیت بر مبنای نقض مقررات مربوط به تیراندازی نیروهای مسلح مذموم شمرده شده و بر مبنای اصل قانون گرایی اخلاقی سزاوار جرم انگاری است. حفظ جان و مال شهروندان در زمره مهم ترین ارزش های اجتماعی به شمار می رود. تحقق این آرمان زمینه ساز بقا و حفظ نظم اجتماعی می باشد. یکی از بایسته های اولیه برقراری رژیم کیفری در هر نظام حقوقی، شناسایی، تدوین و ایجاد سلسله مراتب در میان ارزش های حقوقی جوامع است. با برقراری نظام سلسله مراتبی و تقسیم ارزش ها به ارزش های فرا دست و فرو دست است که ورود یک نظام کیفری با کارکرد حمایت از ارزشهای فرا دست ضرورت یافته و توجیه می شود. (Abdollahi, ۲۰۰۴: ۸۵)

حقوق جزا نیز با ابزار جرم انگاری، به کنترل رفتارها و در نتیجه به تولید ارزش ها و هنجارهایی دست می زند که خط مشی ها و راهبرد های حاکم بر مسایل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جوامع، رعایت آنها را برای جامعه ضروری و ارزشمند تلقی می کنند. (Faure, ۲۰۰۴) به طور کلی به نظر می رسد، ارزش هایی که تئوری اخلاق گرایی قانونی به دنبال حراست از آن ها با ابزار جرم انگاری می باشد، به انواع عقل محور، وحی محور یا انسان محور تقسیم می گردند) (Stonton, ۲۰۰۲). موازین اخلاقی و آموزه های دینی و مذهبی از مهم ترین این ارزش ها می باشند. هرچند، برخی (به ویژه طرفداران عقیده آزادی فردی) عموماً بر این عقیده اند که دولت می بایست نسبت به موضوعات اخلاقی و مذهبی بی طرف باشد، اما عقیده عمومی و غالب در این باب آن است که قانون پیوسته براساس برداشت عمومی از اخلاقیات است و همه قوانین نشان دهنده اصول اخلاقی هستند. همچنین از دین و اصول مذهبی به عنوان قویترین نیروی انحصاری جامعه یاد می شود، به عنوان نمونه قانون جزای فعلی ایالات متحده آمریکا تا حدود زیادی از اصول اخلاقی موجود در انجیل و نظریات کلیساها نشات می گیرد. (ScheP, ۲۰۰۱: ۸۵) بدین روی نحوه کارکرد

دستگاه قانون گذاری در حیطة به کارگیری ابزار کیفر و جرم انگاری جرایم نظامی از همبستگی فراوانی با ایدئولوژی و طرز نگرش دولتها در موضوعات اجتماعی، اخلاقی و مذهبی برخوردار می باشد که به تناوب از جامعه ای به جامعه دیگر متفاوت است و در هر کشور سیستم قانون گذاری به تناسب ارزش های مذهبی، اخلاقی و اجتماعی موجود در سطح جامعه، اصول و تدابیر خاصی را به عنوان سرلوحه عمل خویش در تدوین سیاست تقنینی کیفری مطلوب و مناسب برای جامعه ی خود برمی گزیند.



نمودار ۱: اصل قانون گرایی اخلاقی

در کشورمان، منابع مذهبی با آموزه هایی همچون حرمت دما مسلمین و ... به کرات کوشیده اند تا افراد جامعه را از ارتکاب ناهنجاری بازدارند. تمامی قواعد اخلاقی نیز، هرگونه تعدی به جسم و جان مردم جامعه را مستوجب شدیدترین عقوبت می پندارد. امری که در تمامی اندیشه های اخلاقی و فرهنگی مورد تایید و وفاق است. از سوی دیگر، ناهنجاری های روی داده در مورد تیراندازی نیروهای مسلح ارزش هایی را زیرپا می گذارد که این ارزش ها مورد حمایت اخلاق و ارزش های اخلاقی نیز می باشد. بنابراین، جرم انگاری اینگونه جرایم موجه و منطبق بر آموزه های اصل قانون گرایی اخلاقی می باشد.

ح- اصل قیّم مآبی یا پترونالیسم (حمایت گرایی قانونی)

علاوه بر اصول و معیارهایی که مورد بحث قرار گرفت، سایر مبانی جرم انگاری حقوق جزا نیز در این باب به عنوان معیار های تکمیلی مورد توجه است. در زمره این اصول، اصل پدرسالاری، حمایت گرایی قانونی یا پترونالیسم^۱ قرار دارد. در معنای مصطلح پترونالیسم عبارت است از، "محدود کردن آزادی فرد به خاطر مصلحت خود مرتکب"، در واقع قانون گذار به منظور محافظت فرد از برخی آسیب های جسمانی و روانی، آزادی های وی را محدود می نماید و نقض این ممنوعیت را با مجازات پاسخ می دهد. همانند پدری که با

^۱: Ptrvnalysm

رفتار قییم مابانه خود، هرگاه انجام یا ترک فعلی را به ضرر فرزندان خویش ببیند، مانع از انجام آن می شود. بدین ترتیب نظام کیفری به وسیله جرم انگاری اعمال افراد که مضر به حال خود ایشان می باشد، وظیفه خویش را به نحو مطلوبی به انجام می رساند. عده ای بر این باورند که پترونالیسم معمولاً دلیلی مناسب جهت توجیه ممنوعیت کیفری است که از ایراد ضرر اعم از جسمانی، روانی یا اقتصادی به فاعل آن پیشگیری می کند. Feinberg, (۱۹۸۶) ۴

هرچند برخی، به ویژه اندیشمندان لیبرال با این رویکرد به مخالفت پرداخته اند و معتقدند که پدرسالاری محدود کننده استقلال فردی افراد است و نفع و فایده هر شخص در آن است که به مصلحت خویش زندگی کند تا اجبار دیگران و از سوی دیگر نیز، تنها محمل اجرای این قانون را جوامع غیر متمدنی می دانند که برای حقوق و آزادی های فردی ارزشی قائل نیستند. (mill, ۱۹۹۹, ۵۰)

اگر ضرر و زیان ناشی از ناهنجاری های روی داده در مورد تیراندازی نیروهای مسلح را در یک معنای وسیع متوجه جامعه و النهایه حتی خود مرتکب به عنوان عضوی از جامعه بدانیم، در جرم انگاری اینگونه جرایم می توان به این اصل تمسک جست.

بند دوم - مبانی فقهی جرم انگاری

وضع قوانین و مقررات پیرامون تیراندازی نظامیان مستند به اصول و منابع مختلفی است که در متون مذهبی و فقهی نیز به طور مستقیم یا غیر مستقیم بدان اشاره شده است.

۱- اصل لاضرر

اصل لاضرر در استنباط احکام و فروع اسلامی از قبیل احکام اولیه، ثانویه و حکومتی کاربرد دارد. وقوع ضرر سبب انتفا حکم اولی شده و حکم دیگری را جایگزین می سازد. حدیث «لاضرر و لاضرار» از پیغمبر اکرم (ص) درباره «سَمْرَةَ بن جُنْدَب» آمده است. سپس در دیگر روایات بدان اشاره یا استشهاد شده است.^۱ لاضرر و لاضرار فی

۱ سمره در محوطه منزل یکی از انصار (مردم مدینه) درخت خرمايي داشت، و برای آبیاری و رسیدگی به درخت خویش، بدون رخصت وارد منزل انصاری می گردید. مرد انصاری شکایت او را نزد پیغمبر برد که لاقبل با کسب اجازه

الاسلام، در اسلام جایگاهی برای زیان رساندن به کسی نیست و نیز اجازه نمی دهد کسی درصدد آزار و زیان دیگری برآید. لاضرر به معنی وقوع خسارت و زیان و لاضرار بیان کننده ضرر احتمالی می باشد. در اسلام هیچ گونه حکم ضرری که موجب زیان شود، جعل نشده؛ پس هر گونه تکلیفی که زیان آور باشد اساساً در شریعت اسلام برداشته شده است.

۲- اکل مال به باطل

قوام زندگی اجتماعی، بر پایه همزیستی و احترام به مالکیت سایر شهروندان می باشد. احترام به اموال و حق مالکیت از اصول مبنایی مورد پذیرش تمامی ادیان و مذاهب می باشد. مذهب اسلام و آیین تشیع نیز طی آیات و روایات مختلف همانند آیه ۲۹ سوره نسا^۱ و آیه ۱۸۸ سوره بقره^۲ بر این حق بنیادین تاکید نموده است. حرمت اکل مال به باطل به عنوان قاعده ای وزین در حرمت و مذمت تعدی به مال دیگران مدنظر قرار گرفته است. استناد به این آیه، در مباحث فقهی میان فقها به وفور صورت گرفته است. منظور از اکل، هر آن چه انسان در آن تصرف نموده یا مصرف می کند، می باشد که خود معنایی گسترده است. منظور از باطل نیز، امور و رفتارهایی است که بر اساس عرف، پایه و اساس ندارد. (انصاری، ۱۴۱۸ ه.ق، ج ۵، ۲۰)

۳- حرمت اعانت بر اثم

اعانت بر اثم و عدوان زمینه ساز مفاسدی است که ارتکاب فساد را سهل می سازد. از این رو در متون و منابع فقهی، اعانت بر اثم مورد نهی قرار گرفته و مبنای این ممنوعیت،

داخل شود تا زن و دختران او ناراحت نشوند. پیغمبر به وی گفت: چرا با کسب اجازه وارد نمی شوی؟ گفت: در ملک خود نیاز به کسب اجازه از دیگری نیست! پیغمبر به وی گفت: درخت را بفروش. گفت نمی فروشم! پیغمبر گفت: به جای آن، ۱۰ درخت در بهشت به تو می دهم. گفت: واگذار نمی کنم! خلاصه: نه حاضر شد که با کسب اجازه داخل شود و نه درخت را واگذار کند. آنگاه پیغمبر اکرم دستور دادند درخت او را کنده و در روی او افکنند. و به وی فرمود: *أنت رجل مُضَارٌّ و لا ضِرَارَ فی الاسلام* یا «لاضرر و لاضرار علی مؤمنین»

^۱ ... لا تاكلوا اموالکم بینکم بالباطل ...

^۲ و لا تاكلوا اموالکم بینکم بالباطل و تدلو بها الی الحاکم ...

احتمال بروز مفاسد و ناهنجاری هایی است که امنیت و آسایش مردم و جامعه را در معرض خطر قرار می دهد. (آخوند خراسانی، ۱۴۳۱ ه.ق، ۱۷۶)

در مواردی که فعل حرامی از مکلف خاصی صادر می شود، دیگران اگر بر مرتکب معصیت مساعدت کنند، آیا ارتکاب این فعل نیز حرام است یا خیر؟ آیات و احادیثی همانند آیه ۱۱۳ سوره هود^۱ و آیه ۲ سوره مائده^۲ بر این قاعده دلالت دارد. این آیات بر مطلق بر حرمت اثم و عدوان دلالت دارد؛ هرچند مخالفانی نیز در این زمینه موجود است.^۳ (طباطبایی حایری، ۱۴۱۹ ه.ق، ۷۹) بدون شک با عنایت به ادله پیش گفته پاسخ به این سوال مثبت می باشد.

۴- حفظ مصلحت خمسه

حفظ مصلحت خمسه در زمره مبانی جرم انگاری و وضع قوانین و مقررات پیرامون تیراندازی نظامیان به شمار می رود. مصلحت در لغت به معنای صلاح و خیر و صواب است (شرتونی، ۱۴۰۳، ۶۵۶)، در اصطلاح به معنای سبب رسیدن به مقصود شارع و به دست آوردن آن است؛ اعم از عبادت که مربوط به حق خود شارع است یا عادت که برای نفع بندگان و انتظام معاش و احوال آن ها است. مقصود از مصلحت خمسه، حفاظت از دین، نفوس، عقول، نسل و اموال می باشد. آن چه متضمن و متکفل حفظ این اصول پنج گانه باشد، مصلحت و آن چه سبب تفویت آن ها باشد مفسده نامیده می شود. حفظ این اصول در حد ضرورات می باشد. (غزالی، ۱۴۱۳، جلد ۱، ۱۷۴) ناهنجاری های روی داده در مورد تیراندازی نیروهای مسلح مخاطرات فراوانی برای اموال مسلمان به همراه داشته و موجب تضییع جان و مال آن ها می باشد. بدین ترتیب حراست از اموال ایشان به عنوان ضرورتی به کار می رود که طی آن نظام کیفری ناچار از مقابله با هرگونه ناهنجاری در این عرصه به منظور حفظ مصالح خمسه می باشد. اینگونه جرایم جان مسلمانان را به طور مستقیم در معرض خطر قرار می دهد و به طور غیرمستقیم بر سایر ابعاد زندگی آن ها نیز اثرگذار می

^۱ و لا تر کنوا الی الذین ظلموا فتمسکم النار و ما لکم من دون الله من اولیا ثم لاتنصرون، و شما مومنان هرگز نباید با ظالمان همدست و دوست و بدان ها دلگرم باشید و گر نه آتش کیفر آنان در شما هم خواهد گرفت و در آن حال جز خدا هیچ دوستی نخواهید داشت و هرگز کسی یاری شما نخواهد کرد.

^۲ ... و عداوت گروهی که از مسجد الحرام منعان کردند شما را بر ظلم و بی عدالتی وادار نکند و با یکدیگر در نیکوکاری و تقوا کمک کنید نه بر گناه و ستمکاری و از خدا بترسید که عقاب خدا سخت است.

باشد. بدین منوال مصلحت مومنان ایجاب می نماید تا چنین موضوعاتی مورد جرم انگاری قانون گذار قرار گیرد.

۵- وجوب حفظ دما و خون مسلمین

حفظ خون مسلمانان در منابع فقهی و حقوقی به شدت مورد تاکید قرار گرفته است به طوری که جانی یا قاتل باید قصاص شود و در مواردی نیز دیه بر عهده وی یا بیت المال مستقر می گردد.

از دیدگاه اسلامی، انسان در بین سایر موجودات از جایگاه والا و ارزش ویژه‌ای برخوردار است. حفظ حیات انسان مورد توجه اکید اسلام قرار گرفته و حفظ جان هر فرد را بر دیگران واجب کرده و آن را یکی از مهم‌ترین واجبات شمرده است. در قرآن کریم و سنت نبوی و احادیث اهل بیت علیه السلام با تأکید فراوان یاد شده است. «و هر کس، انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه‌ی مردم را زنده کرده است (مائده/۳۲) در آیه دیگر خداوند می‌فرماید: «هر کس مؤمنی را به عمد و خواسته و دانسته بکشد، مجازاتش آتش جهنم است که در آن برای همیشه خواهد ماند و مورد خشم و غضب و دوری از رحمت خدا واقع خواهد شد و عذابی بسیار عظیم و سخت، برایش آماده و فراهم ساخته است (نساء/۹۳) در حدیثی از حضرت رسول اکرم(ص) آمده است: به حق آن خداوندی که جانم در قبضه‌ی قدرت او است، که اگر اهل آسمان و زمین همه شریک شوند در خون مؤمنی، خدا همه را در آتش اندازد. با توجه به این که حفظ جان انسان‌ها در اسلام دارای اهمیت و احترام زیادی است و کسی که خون دیگری را به عمد می‌ریزد به حکم اسلام و قانون قصاص می‌شود و در صورتی که شبه عمد و یا خطایی محض باشد دیه به عهده خود قاتل یا عاقله او می‌باشد و اما در صورتی که قاتل مشخص نباشد دیه او از بیت المال پرداخته می‌شود. روایاتی که دلالت بر پایمال نشدن خون مسلمان دارد، به صورت یک قاعده‌ی فقهی با نام «قاعده‌ی لایبطل دم امری مسلم» در آمده است.

مقصود از این قاعده، بیان اهمیت خون مسلمان از جهت ساقط نشدن دیه‌ی مقتول است. نتیجه قاعده مذکور، آن است که هرگاه قاتل معلوم نباشد و یا اگر قاتل معلوم است امکان گرفتن دیه از او به دلیل متواری بودن، فقر یا مورد دبگری وجود ندانسته باشد، پرداخت دیه‌ی مقتول بر عهده‌ی بیت المال قرار می‌گیرد؛ زیرا در غیر این صورت خون مقتول پایمال می‌گردد.

الف. شیخ مفید می‌گوید: کسی که در محل‌های نماز جمعه یا بر پل‌ها، مرزها، بازارها، اطراف حجرالاسود، در کعبه و زیارت‌گاه‌های ائمه اطهار(ع) کشته شود، قصاص ندارد و واجب است که از بیت‌المال دیه‌ی او به اولیایش پرداخته شود و اگر ولی نداشته باشد، دیه‌ای بر بیت‌المال ندارد.

ب. فقیه دیگری می‌گوید: کسی که در شلوغی روز جمعه یا روز عرفه یا بر جسر و نظایر آن یعنی مواضعی که در آن جا مردم ازدحام می‌کنند، بمیرد و قاتلش معلوم نشود، دیه‌اش بر بیت‌المال است، به شرطی که خون‌خواهی، برایش موجود باشد و اگر خون‌خواهی نداشت، دیه‌ای برایش نیست.

ج. فخر المحققین در توضیح کلام علامه (در صورتی که کسی دو نفر را کشته باشد و اولیای یکی از مقتولان مبادرت به قصاص می‌کند، اقرب آن است که دیگران حق اخذ دیه را داشته باشند)، می‌نویسد: «دلیل قوّت قول علامه این است، که اگر اخذ دیه را از جانب اولیای دم جایز ندانیم، لازم می‌آید که خون مسلم در معرض بطلان واقع شود. اما این ملازمه به دلیل کلام امام(ع) که خون مسلم نباید به هدر رود، صحیح نیست، پس اخذ دیه لازم است».

ه. یکی از فقیهان معاصر در پاسخ به این سؤال که پسر بچه‌ای که در کوچه بازی می‌کرده و موتور سوار ناشناسی مواد منفجره را در کوچه رها کرده باشد و باعث مرگ کودک شود، گفته است: اگر مواد منفجره را موتور سوار ناشناس در آن کوچه رها کرده باشد با استدلال به قاعده «لایبطل دم امرئ مسلم» که خون مسلمان نباید هدر رود دیه‌ی پسر بچه از یت‌المال پرداخته می‌شود و الا اگر مواد منفجره را آن موتور سوار ناشناس، رها نکرده باشد، دیه بر بیت‌المال نیست.

و. مرحوم بهجت می‌گوید: اگر قاتل متعمّد فرار کرد و مایوس از وصول به او شدند، محتمل است استحقاق دیه از مال او؛ و اگر مالی نباشد یا متعذر باشد استیفاء دیه از آن، محتمل است استحقاق دیه از بیت‌المال، بعد از عاقله و عدم تمکن استیفاءش از آن‌ها یا ورثه او به ترتیب ارث، یا مطلقاً. (ابوالفضل علیشاهی و طیبه احمدی ۱۳۹۸ ۱۳۴)

گفتار دوم - چالش های تقنینی پیرامون تیراندازی نظامیان بر خلاف ضوابط و مقررات

در راستای مبارزه با هرگونه نابسامانی های موجود در زمینه جرایم نظامیان، قانون گذار در هر سیستم حقوقی متناسب با ارزش های اجتماعی و اخلاقی، موازین و هنجارهای خاصی را برگزیده است. قانون گذار با بینش واحدی به کلیه اقدامات و روابط نگریسته و فیلتر مشابهی را در ارتباط با تمامی آن ها به کار می بندد. جرم‌انگاری فرآیندی است که طی آن، قانون‌گذار برخی رفتارهای مذموم را مشمول قوانین کیفری قرار داده و به عنوان جرایم قابل مجازات معرفی می نماید. به عبارتی دیگر اصل بر اباحه رفتارهای آدمی است و آزادی‌های فردی و اجتماعی اشخاص جامعه به پشتوانه اصل وزین برائت تحت حمایت می‌باشند. به منظور حفظ نظم عمومی و رعایت حقوق شهروندان، قوای مقننه برخی از رفتارها را به عنوان جرم مورد شناسایی قرار داده است.

در جهت تفکیک جرایم و افعال مذموم از رفتارهای ممدوح، اصول و مبانی مختلفی به کار گرفته می‌شود. مقنن با کاربست این اصول و مبانی به تمییز ناهنجاری‌های نظامی پرداخته و برای آن‌ها ضمانت اجرای کیفری در نظر می‌گیرد. تقنین، اولین گام اول تبیین جرایم و مجازات‌ها می‌باشد. شفافیت و صراحت در جرم‌انگاری، مؤلفه‌هایی اساسی می‌باشند که فقدان آن‌ها، آزادی‌های فردی و اجتماعی را به چالش می‌کشد. از جمله بدیهی‌ترین حقوق شهروندی، آگاهی تمام و کمال افراد جامعه از محدوده مجاز و غیرمجاز اقدامات خویش می‌باشد.

تقنین به بحث پیرامون وضع و تقنین جرایم و مجازات‌ها می‌پردازد. در واقع این بخش از روند قانون گذاری، نخستین گام در راستای ایجاد نظام کیفری در مبارزه با جرایم می‌باشد و فرایند تقنین و جرم‌انگاری در این نظام با تمسک به اصول و راهبردهای خاصی صورت می‌پذیرد. بکارگیری هر یک از این مبانی تابع ارزش های حاکم بر جامعه و نظام کیفری می‌باشد که شالوده نظام حقوقی را در مبارزه با جرایم نظامیان پی ریزی می‌نماید. شناخت این اصول و موازین، مبنای مناسبی را به منظور اصلاح نظام حقوقی موجود و تدوین قوانین و مقررات مطلوب در مبارزه با ناهنجاری های روی داده در مورد تیراندازی نظامیان در اختیار قرار می‌دهد. براین اساس در این بخش کوشش نموده ایم تا چالش های

تقنینی موجود در زمینه تیراندازی نظامیان برخلاف ضوابط و مقررات را مورد بحث و بررسی قرار دهیم.

الف- روزآمد نبودن قوانین و مجازات‌ها

بررسی ضمانت اجراهای مقرر شده در باب تیراندازی نظامیان نشان دهنده آن است که سالیان طولانی از عمر قوانین موجود گذشته و دارای قدمت بسیار درازی می‌باشد. به عنوان نمونه، از عمر قانون نحوه به کارگیری سلاح ... در حدود سی سال سپری شده است. تفکر پیرامون جرم‌انگاری آن زمان، بر آیند نگرشی عمیق در نیازمندی‌های جامعه در زمان تقنین قانون مذکور بوده که بدون شک در طی سال‌های مختلف اصلاح شده و تغییر یافته است.

رشد دانش و تکنولوژی‌های گوناگون، نیازمندی‌های جدیدی را پدید آورده که در دوره‌های گذشته سابقه نداشته و ثمره پیشرفت علوم و فنون مختلف می‌باشد. مواجهه با این قبیل بزهکاری‌های نوین نیازمند تدوین و کاربرد قوانینی پویا و سیال بوده که در طی دوره-ای همگام با تغییر اوضاع و احوال اجتماعی و ظهور تکنولوژی‌های نوین تغییر و اصلاح یابد. نمود مفاسد این ترتیب را به ویژه در کهنگی ضمانت اجراها و فقدان نوآوری در جرم-انگاری و تعیین کیفر مناسب می‌توان مشاهده نمود که قادر به رفع نیازمندی‌های قضایی موجود نمی‌باشند.

در این زمینه هم اندیشی نخبگان و صاحب نظران حقوقی و نظامی در اصلاح قوانین و رفع خلاءهای قانونی پدید آمده از اهمیت فراوانی برخوردار است. با عنایت به جنبه تخصصی امر، لزوم تشکیل کمیسیونی تخصصی در این زمینه راهگشاست؛ کمیسیونی متشکل از نمایندگان نهادهای دخیل در موضوع، همانند وزارت دفاع و سایر نهادهای دخیل در موضوع که با هم اندیشی و نشست های گوناگون، به اصلاح قوانین فعلی و قانون گذاری در زمینه رفع خلاءهای قانونی موجود بپردازند. سیاست قانون گذاری در کشورمان براین مبنا پایه ریزی شده که تنها در زمینه وقوع بحران، مسولان به فکر چاره اندیشی می افتند؛ این در حالی است که باید پیش از وقوع حادثه عافیت اندیشی و درصدد ارایه راه حل برای حل مشکلات ساری و جاری کشور و نظام ارزی اندیشید.

ب- تورم قوانین

در عرصه تیراندازی نظامیان برخلاف قوانین و مقررات با قوانین و ضوابط مختلفی روبرو می شویم، از جمله؛ قانون نحوه به کارگیری سلاح... دستورالعمل نگهبانی و پاسداری و گشتی و چنین شیوه قانون گذاری که به مرور زمان و در طی سال های متمادی روی داده واجد نقاط ضعف فراوانی است. کاستی و خلاهای قانونی اولین نتیجه این تورم است که در لابلای آن، در عوض پرداختن به اصل مطلب و تبیین جامع و کامل عناصر مورد نیاز برای تحقق جرایم، گریزی به هرکدام از جرایم، آن هم به طور ناقص زده شده و فاقد وصف جامعیت برای برآورده سازی نظام مطلوب کیفری است. در این زمینه باید توجه داشت، تورم قوانین، اگر به معنای بیان جزئیات و تشریح دقیق جرم و مجازات باشد، امری صحیح و مطلوب است و از قانون گذار چنین ریزبینی و ظرافتی انتظار می رود؛ اما بیان نارسای جرایم، آن هم به صورت پراکنده و نه در قالب یک مجموعه منسجم، به ویژه پیرامون جرایمی که بسیار مبتلا به بوده و خسارات فراوانی را نیز به بار آورده اند، مورد انتقاد است. در واقع، منظور از تورم قوانین در این بحث، غافل شدن از جزئیات موضوع نمی باشد. به منظور ایجاد انسجام در قوانین و مقررات لازم است تا قوانین یکپارچه شده و با ریزبینی و دقت، متناسب با شرایط روز جامعه در مجموعه های واحد و مرتبطی تدوین و تقنین گردند؛ اینگونه، دسترسی و اطلاع شهروندان نیز سهل تر می گردد.

عدم انسجام قوانین و ضمانت اجراها ثمره نامطلوب دیگری است که تاثیر کیفیهای مقرر را به پایین ترین حد ممکن می رساند. بروز چنین آشفتگی هایی برای قضات و مسولان اجرایی نیز دردسر ساز بوده و مشکلاتی را در راه استخراج و استنتاج قوانین بر سر راه ایشان قرار می دهد. این در حالی است که عزمی برای اصلاح قوانین ماهوی در این زمینه مشاهده نشده و به قوانین پراکنده کهنه و قدیمی اکتفا می گردد؛ امری که در درازمدت بدون شک آسیب زا است.

در این راستا، بهتر است تا مقنن با جمع آوری و یکپارچه نمودن قوانین و مقررات اقدام به نوعی قانون گذاری منسجم و همگون در حیطه تیراندازی نظامیان نماید.

ج- فقدان انسجام

نظام حقوقی در عرصه قانون گذاری پیرامون تیراندازی نظامیان فاقد انسجام لازم بوده و در اثنای بیان مجازات های عمومی در قوانینی همچون قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح و برخی آیین نامه های مرتبط به بررسی این دسته از جرایم می پردازد. در هر یک از این قوانین و دستورالعمل ها، قانون گذار با نگرش متفاوتی اقدام به جرم انگاری این قبیل جرایم نموده و دیدگاه یکسانی را در این زمینه اتخاذ نموده است.

فقدان انسجام در تدوین این قوانین، سبب کاهش تعادل و سازواری مابین ضمانت اجراهای مقرر و النهایه انسداد مسیر دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده برای مجازات ها گردیده است. قانون گذاری در دوره های مختلف تابع مقتضیات و نیازهای عمومی بوده و در هر دوره بر مبنای طبع و ذوایق مقنن شاهد اعمال کیفرهای مختلف پیرامون جرایم متفاوت هستیم. این تغییر استراتژی مقنن سبب پیدایش قوانین متفاوت با راهبردهای گوناگون می باشد.

در مجموعه قوانین داخلی، بحث تیراندازی نظامیان تحت لوای واحد و یکپارچه‌ای آورده نشده و در لابه‌لای مواد و قوانین مختلف مورد توجه واقع شده‌اند. فقدان یکپارچگی قوانین موجب عدم انسجام آنها شده، قضات را در تشخیص جرایم و مجازات‌ها و تبیین آثار و رویکردهای کیفری متناسب، با مشکلاتی روبه‌رو می‌سازد. این آشفتگی سیاست کیفری بیانگر عدم وجود مبانی و اصول واحدی در جرم‌انگاری و وضع جرایم و مجازات‌ها می‌باشد. دیدگاه‌های متفاوت قانون‌گذار در قوانین گوناگون، تأمین‌کننده نیازمندی‌های سیاست کیفری مطلوب و منسجم نمی‌باشد. بدین روی لازمه اساسی دستیابی به وحدت و یکپارچگی سیاست کیفری، کاربرد اصول و مبانی واحد در جرم‌انگاری و ذکر جرایم و مجازات‌ها در مجموعه‌ای واحد با قید آثار و شرایط لازم می‌باشد تا اهداف بازدارندگی و سزادهی کیفر به نحو مطلوب محقق گردد. بنابراین شایسته و بایسته است تا این جرایم در مجموعه ای واحد، با ذکر تمام جزئیات و با مبانی و اصول یکسان مورد جرم انگاری قرار گرفته و در ادوار زمانی متفاوت نیز، در صورت نیاز متناسب با مقتضیات روزمره اصلاح گردد.

د- کاربرد الفاظ مبهم و عدم صراحت و شفافیت در تقنین

صراحت و شفافیت در قانون گذاری از جمله اصول کلی حقوق جزا است که برمبنای آن، قانون گذار باید در کاربرد الفاظ قانونی با دقت و ظرافت عمل نموده و نهایت وسواس را در تعریف جرایم و کیفر آن ها به کار ببرد. این در حالی است که در مورد تیراندازی نظامیان این خصیصه مهم به بوته فراموشی سپرده شده و در برخی از موارد قانون گذار الفاظ مبهم و نارسایی را برگزیده است. به عنوان نمونه کاربرد عباراتی همچون (برخلاف ضوابط و مقررات) ابهام برانگیز می باشد. هرچند وفق تبصره ۲ ماده ۴۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مقررات مربوط به تیراندازی و نحوه پرداخت دیه و خسارات به موجب «قانون

به کارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب ۱۳۷۳.۱۰.۱۸» و آئین نامه های مربوط خواهد بود. با این وجود تکلیف سایر دستورالعمل ها و آیین های موجود در این زمینه چه می شود؟ چرا اقدامی در راستای رفع ابهام و یکپارچه شدن قوانین صورت نمی گیرد؟

بدین روی شایسته است تا وفق اختیار حاصله از ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری که حق تقاضای رای وحدت رویه را قائل شده است، رای وحدت رویه پیرامون رفع این ابهامات صادر گردد یا اداره حقوقی قوه قضاییه در این زمینه فعالانه تر عمل نموده و با ارایه نظریات مشورتی راهگشا باشد.

مبحث دوم- چالش های حقوق کیفری ماهوی در مرحله کیفردهی و مجازات

کیفردهی مجرمان، مرحله غایی عملکرد سیاست کیفری پیرامون مجرمان ارزی بوده که از جهات متعددی واجد ارزش و اهمیت می باشد. بدین سان، تحلیل عملکرد سیاست کیفری در این بخش حایز اهمیت بوده و بیانگر میزان موفقیت سیاست کیفری در دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده خویش می باشد. براین اساس، در این بخش به برخی از چالش های فراروی حقوق کیفری ماهوی در مرحله کیفردهی و مجازات مجرمان می پردازیم.

الف - تناسب مقنن

بررسی ضمانت اجرای موضوع ماده ۴۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، بیانگر مسامحه مقنن با مرتکب این جرم می باشد که مجازات خفیفی برای مرتکب در نظر گرفته شده است.

بدون شک، صرف شدت عمل، بدون توجه به وجود یا فقدان بسترهای لازم برای پیشگیری از ارتکاب جرم و البته با وجود ابهامات موجود در متون قانونی که سبب برداشت های متفاوت از مقررهای یکسان و در نتیجه تضییع حقوق دفاعی متهم می باشد، امری مطلوب و منتج به عدالت به حساب نمی آید. اما ضمانت اجرای کیفری باید به گونه ای تقنین یابند که آثار و اهداف از پیش تعیین شده همانند عدالت استحقاقی و عدالت ترمیمی و ... را نیز فراهم نمایند امری که در مورد بزه پیش گفته مشاهده نمی گردد.

ک - تناسب جرم با مجازات

اصل تناسب جرم و مجازات مقرر می دارد که شدت مجازات باید با جرم متناسب بوده و متناسب با جرم صورت گرفته باید متهم را مجازات نمود. با این وصف، همان طور که پیش از این اشاره شد، عدم رعایت اصل تناسب در تعیین مجازات ها سبب می گردد تا کیفرهای مقرر فاقد اثر بازدارندگی شوند.

در سه دهه اخیر، تحت تاثیر وقایع ناگوار جنایی و به بهانه مبارزه با تکرار جرم، موضوع مدیریت ریسک تکرار جرم در چارچوب نظام کیفری، کنارگذارن اصلاح بزهکاران مکرر، احیای کارکرد طرد و توان گیری، به یکی از مهم ترین اولویت های سیاست کیفری بدل شده است. (Bonfils, ۲۰۰۷: ۳۶۳) بنابراین لازم است تا تناسب جرم و مجازات در جرایم نظامیان نیز به صورت دقیق و مضبوط رعایت شود.

ک - عدم توجه به اهداف مجازات ها

اجرا و اعمال مجازات ها از روزگار قدیم تا به حال در پی اهداف خاصی سازماندهی شده است. در نگرشی کلی، اهداف مجازات ها را می توان به سزادهی و بازدارندگی (عام و خاص) تفکیک نمود. فرض بر آن است که در اعمال هر مجازات، اهداف مورد اشاره پیگیری می شود.

این در حالی است که قوانین و مقررات مقرر شده پیرامون تیراندازی نظامیان فاقد چنین خصوصیتی است.

تکوین نظام حقوقی و کیفری مدبرانه نیازمند توجهی فراگیر به تمامی اهداف و انواع مجازات ها بدون دخالت احساسات و اغراض و اهداف شعارگرایانه می باشد.

نتیجه گیری و پیشنهادات

جرم یک پدیده اجتماعی است که علل و عوامل مختلفی در شکل گیری آن دخالت دارند. در عین حال در هر جرمی، با توجه به متفاوت بودن شرایط مرتکب و محیط پیرامون وی، بدیهی است که نوع، تعداد و میزان اثر هر یک از علل و عوامل متفاوت است. این تنوع و گوناگونی است که اجازه نمی دهد یک عامل را به طور انحصاری عامل اصلی و منفرد جرم بدانیم. با این همه، این استدلال نباید منجر به توزیع مسئولیت، کم رنگ کردن آن و عملاً نفی مسئولیت ها شود؛ چرا که بی نظمی ناشی از عدم کنترل و ایجاد نوعی آنومی، سبب می شود تا افرادی که مستعد ارتکاب جرم هستند، دست به سوداگری زده و ضمن ارتکاب جرایم مهلک زمینه تجری دیگران را نیز فراهم بیاورند.

برای آن که ساختار نیروهای مسلح بتواند به اهداف خویش جامه عمل بپوشاند و با بیشترین قدرت و سرعت و بالاترین حجم واکنش، ضمن انجام وظایف، وفاداری خویش به آمان های ملی و میهنی را به منصفه ظهور برساند، لازم است تا در قبال نارسایی و کاستی های موجود در این نهاد چاره اندیشی لازم صورت بگیرد. نیروهای مسلح رکن رکین امنیت و استقلال کشور محسوب گردیده و بهره مندی از دو مولفه پیش گفته جز در پرتو کارایی و پویایی قوای نظامی و انتظامی میسر نمی باشد. اهمیت موضوع تا بدان جاست که نیروهای نظامی در اکثر کشورهای جهان نقش حایزاهمیتی را در معادلات سیاسی ایفا نموده و در موارد عدیده ای پشتوانه دولت در دستیابی به آرمان های خویش و وفوق بر مشکلات پیش روی خود می باشد. اما با وجود فواید مذکور، آفات مختلفی کارکرد بهینه و مطلوب قوای نظامی و انتظامی کشور را تهدید می نماید. نظم و امنیت در میان نیروهای مسلح مهم ترین به عنوان مهم ترین فاکتور محسوب شده و هرگونه خدشه ای در مسیر تحقق این آرمان در میان نیروهای نظامی با شدیدترین واکنش روبرو می شود. بدین سان جرایم نیروهای مسلح و مجازات های در نظر گرفته شده برای آن ها با توجه به طبع و سرشت خاص و منحصر به

فرد جرایم نظامی از مبانی و سیاست‌های متفاوت و متمایزی نسبت به جرایم عادی پیروی می‌نمایند. مجرمان نظامی به شدیدترین نحو کیفر داده و تنبیهات شدیدی برای آن‌ها در نظر گرفته می‌شود. با این وصف طبع و سرشت مجرمان نظامی نیز متمایز از بزهکاران عادی می‌باشد.

علی‌رغم حساسیت و ظرافت این امر، اما در مجموعه قوانین کشورمان مقررات مربوط به تیراندازی توسط پرسنل نیروهای مسلح به تفکیک و همراه با ظرافت و دقت بیان نشده است.

اهمیت رفع این ناهنجاری در تامین امنیت جامعه و نیروهای مسلح ایجاب می‌نماید تا با توجه به مفاهیم والای فرهنگی و اسلامی، تحقیقات و پژوهش صورت گرفته و نظریات اندیشمندان و صاحب نظران علم حقوق، همچنین با الگو گرفتن از سیاست جنایی و مجموعه قوانین کیفری کشورهای پیشرو جهان در علم حقوق، منطبق بر تحولات کیفری نوین صورت گرفته در این باب، بستر مناسبی به منظور فراهم آوردن شرایط تحقق این آرمان فراهم بیاید.

بنابر این در وهله اول لازم می‌باشد تا ضمن آشنا ساختن نظامیان با مجموعه قوانین و مقررات مرتبط با این حوزه، بستر مناسبی را به وسیله فرهنگ سازی و آموزش در جهت برخورد با این موانع فراهم بیاوریم. در وهله بعد نیز قانون گذار به وسیله تدوین قوانین مناسب با توجه به اصول و مبانی نوین دانش جرم شناسی و حقوق جزا، می‌بایست در برابر اینگونه جرایم واکنش کیفری صحیح و مطلوب نشان دهد. همچنین کار کرد موثر و منسجم نظام عدالت کیفری در جهت مقابله منسجم و هدفمند با این قبیل مجرمان حائز اهمیت می‌باشد. این امر میسر نمی‌گردد مگر با همدلی و همفکری تمامی مسئولین، اندیشمندان، صاحب نظران و مردم جامعه.

منابع

الف- منابع فارسی

اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی جلد دوم، چاپ سیزدهم، انتشارات میزان، تهران، ۱۳۸۵

علیشاهی ابوالفضل و احمدی طیبه مبانی قاعده «بطلان ناپذیری خون محترم» با رویکردی به قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مجله مبانی فقهی حقوق اسلامی مقاله ۶، دوره ۱۱، (۲۱ بهار و تابستان ۱۳۹۷)، پاییز و زمستان ۱۳۹۷، صفحه ۱۵۹-۱۳۱

نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات درس جامعه شناسی جنایی، تنظیم محمدی و موسی زاده، ویرایش دوم، دانشگاه شهید بهشتی تهران. ۱۳۸۴

آخوند خراسانی، محمد کاظم، کفایه الاصول، چاپ هفتم، قم، موسسه آل بیتلاحیا التراث، ۱۴۳۱ ق

انصاری، مرتضی بن محمد امین، المکاسب، قم، موسسه الهادی، ۱۴۱۸ ق

حائری یزدی، عبدالکریم، در الاصول، چاپ بیست و یکم، مجمع ذخایر اسلامی، قم، ۱۳۶۱

زنجانی، عمید، عباسعلی، فقه سیاسی، حقوق اساسی و مبانی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۳

شرتونی، سعید، اقرب الموارد، قم، انشارات مکتبه آیه الله المرعشی، چاپ اول، ۱۴۰۳
ق.ه

طباطبایی حایری، سید علی بن محمد علی، الشرح الصغیر فی الشرح مختصر النافع، تحقیق سید مهدی رجایی، قم، مکتب آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۱۹ ق.ه

کاتوزیان، ناصر، فلسفه حقوق، چاپ اول، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۹.

ب- منابع لاتین

- Abdollahi M. Punitive damages in international law. Law Review, Bureau for International Legal Services. ۲۰۰۴؛ ۳۰: ۸۵- ۱۱۹
- ASHWORTK ANDREW. CRIMINAL Law. FIFTH EDITION. London: OXFORD UNIVERSITY؛ ۲۰۰۶؛ ۴۴۰
- Clarkson c mv. Understanding criminal law. London: sweet and Maxwell؛ ۲۰۰۵؛ ۲۶۲
- Faure G M, M Visser. Law and Economics of Environmental Crime: a Survey. http://www.hertig.ethz.ch/LE_۲۰۰۴_files/Papers/Faure_Environmental_Crime.pdf
- Wilson w. central issues in criminal theory: oxford؛ hart publishing؛ ۲۰۰۲؛ ch۱
- Akedurst, Michael, a modern introduction low, London unwinds hay man, sixth edition, ۱۹۸۷
- Amnesty international fair manual, amnesty international publication, United Kingdom, ۱۹۹۸
- Amram, David Werner, Retaliation and Compensation, the Jewish Quarterly Review, New Series, Vol ۲, No ۲, (Oct, ۱۹۱۱).
- Ana D Bostan, the right to a fair trial (balancing safety and civil liberties, Cardozo j. Of it, ۱ & comp. law vol. ۱۲:۱, ۲۰۰۴,
- Ashworth, Andrew, criminal law, Oxford University, fifth edition, ۲۰۰۶
- Bel Jon, Byron sofiya, Whittaker Simon, principles of French, New York, Oxford University, ۱۹۹۸
- Bernstein, peter, ۲۰۰۸, primer on money, banking and gold, ۳rd Ed, hobken, NJ: wiley
- Bonfils, P. (۲۰۰۹), Les Modèles de Surveillance Extra-Pénitentiare des
- Brunetti, Aymo, Kisunko, George and Weder, Beatrice, ۱۹۹۷, credibility of rules and economic growth, Evidence from worldwide survey of the private sector, World Bank Policy research working paper, No ۱۷۶۰ Washington
- Campbell, Henry, Black's Law Dictionary, Sixth Edition, The publishers additional staff, St Paul, Mann, West Publishing Co, ۱۹۹۰
- Délinquants en France, RDPC, No. ۲. Edition. St Paul. Minn: West Publishing Co؛ ۱۹۹۰؛ ۱۳۲۴
- Elliott Cathereine, Quinn Frances. criminal law. Six edition. London: pearson؛ ۲۰۰۶؛ ۲۵۶
- Feinberg, Joel. the Moral Limits of the Criminal Law: Harm to Self; Oxford, New York: Oxford University Press؛ ۱۹۸۴؛ ۲۱۵

- Feinberg. Joel, the moral limits the criminal law, harmless wrongdoing, wol, oxford, London, New York. Toronto:oxford university press. ۱۹۸۶:۴
- Hart, H. L. A, Punishment and Responsibility, Clarendom Press, ۱۹۶۳.
- Hoffe, Otfried, Immanuel Kant, Translated By Marshal Farrier, State University Of Newyork Press, ۱۹۹۴.
- ILC, the International Covenant On Civil and political rights r, part۲, ILC commentary to art, ۱۹۹۶
- Joseph, Sarah & Schultz, Jenny & Capstan, Melissa , the International Covenant on Civil and political rights, Oxford University press, ۲۰۰۰
- Lacey n. state punishment. political principles and community values: oxford ۱۰۴ :۲۰۰۳
- Lanjseth Petter , Edjardo Bus CajLil ,Empovering the Victims Of Corruption Throujh Social Control Mechanisms , Office For Drug Control & Crime Prevention , united Nation Office Atvienha, ۲۰۰۱
- Lyman, Michael D, potter, gary w, organized crime, new jersey u.s.a: prentice hall inc, ۲۰۰۰
- Mark, Janis & Kay, Richard & Bradley, Anthony , European Human Rights law, Oxford University Press, perdition, ۲۰۰۰
- Marty Del mas, Procedures D Europe , Puf Leed , Paris, ۱۹۹۰,
- Max plank , Manual in fair Trial Standards in the Afghan Constitution, the Afghan Interim Criminal code for Courts, The Afghan Penal Code and other Afghan Laws as well as in the International Covenant on Civil and political Rights, Two Edition, ۲۰۰۰,
- Mill, John Stuart. *On Liberty*. Peterborough, Canada: Broadview Press؛ ۱۹۹۹؛۵۰-۲۱
- Mill, John Stuart. *On Liberty*. Peterborough, Canada: Broadview Press؛ ۱۹۹۹؛۵۰-۲۱
- Moffitt, M.L, bordone Robert, perspectives on dispute resolutions, on introduction, the hand book of dispute resolution on, Michael. Moffitt an Robert bordone (Editors), first edition, josseg bass, ۲۰۰۰
- Oxford Advanced Learners Dictionary, As Hora by, Fourth Edition, Oxford University Pre, ۱۹۹۴, p ۱۱۴۳ prostitution؛۱۹۵۷؛۲۷
- Raz j. the authority of law. oxford: oxford university press؛۱۹۷۹؛۴۲۰
- Robertson, D, the Rutledge dictionary of politics, London, Rutledge, ۲۰۰۴
- S.Casale & Piotnikoff , Regimes for remain Prisoners Prison Reform Trust, ۱۹۹۰.
- Sche john, Scheb john. Criminal law. usa:Thomson publishing company؛۲۰۰۱؛۱۸۰

- Schwartz, Barry, Vengeance and Forgiveness: The Use of Beneficence in Social Control, the School Review, Vol ۸۶, No ۴, (Aug, ۱۹۷۸).
- Shenfield f, Pennings g, Cohen j, Devroey p, tewert g, Tarlatzis b. eshre task force on ethics and law surrogacy: Hum reprod. ۲۰۰۵؛ ۲۰ ۱۰: ۲۷۰۵- ۲۷۰۷
- Stephanie gl, Zhrzhhh bb, criminal justicepublic by Hassan translation Dadban. Tehran :Allameh Tabatabai University؛ ۱۳۷۳: ۱۱
- Stonton john. The limits of low. Injstan for denyc llopedia of philosophy url ؛ ۲۰۰۲؛ ۶. available from http://plato.stanford.edu/entries/low_limits
- summers, sarah, fair trials, hart publishing, ۲۰۰۷
- Von Hirsch .A, Commensurability and crime prevention: Evaluating formal sentencing structures and their Rationale, The Journal of Criminal Law and Criminology, ۱۹۹۳.
- w.f.frank, the general princ ipies of english law, london, georgrg.harrapt, ۱۹۷۱
- Wertheimer, Alan, Deterrence and Retribution, Ethics, Vol .۸۶, the University Of Chicago Press, (Apr, ۱۹۷۶).
- What is a Fair trial? A Basic Guide to legal Standards and practice, Lawyers Committee for Human Rights, USA, March ۲۰۰۰
- Wolfonden.report of the committee on homosexual offences and Zaibert, Leo, Punishment and Retribution, Ashgate Publishing Company, USA, ۲۰۰۵.

An approach to the legislative challenges in the penal system in the field of military shooting

Authors

mazaher rezayifar, hoseyn kamalvand, Saeed Sheykh

Abstract

Crimes related to the personnel of the Armed Forces have a different nature and nature than the crimes of other people, and this different and unique nature and nature should be considered in the study and analysis of their crimes. Examining the existing laws and regulations regarding military shooting indicates that there are various challenges in the legislative penal system regarding such crimes, which has overshadowed the positive and coherent functioning of laws and regulations. Achieving a comprehensive and complete knowledge of the subject of the rules of shooting of the armed forces depends on a precise and comprehensive explanation of the principles of such laws and regulations and the challenges in the field of their legislation and criminalization. Accordingly, in this article, we review the foundations of such laws and regulations and the challenges in the field of legislation and criminalization.

Key words: Keywords: Laws, Shooting, Legislation, Criminalization

پرتال جامع علوم انسانی